

#### الزَّرَاعَةُ: كِشَاوَرزِي

﴿عَلَيْكُمْ بِالْفَنِّمِ وَالْحَرْثِ﴾ رسول الله ﷺ

ترجمه: دام داری و کشاورزی کنید.

﴿لِلزَّرَاعَةِ دَوْرٌ مَهْمٌ فِي حَيَاتِنَا. وَ هِيَ أَسَاسٌ فِي ظُهُورِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ﴾

ترجمه: کشاورزی نقش مهمی در زندگی ما دارد. و آن، پایه و اساسی در پیدایش تمدن های قدیمی است.

﴿الزَّرَاعَةُ، مَصْدَرٌ رِئِيسِيٌّ لِلْحُصُولِ عَلَى الْغِذَاءِ﴾

ترجمه: کشاورزی، منبع اصلی برای به دست آوردن غذاست.

• «كَالْبَدِشْكَافِي»: «كَمْ» در «عَلَيْكُمْ»: ضمير متصل

• الزَّرَاعَةُ: اسم مفرد مؤنث

• دَوْرٌ مَهْمٌ: موصوف و صفت

• «نَا» در «حَيَاتِنَا»: ضمير متصل

• هي: ضمير منفصل

• الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ: موصوف و صفت (تركيب و صفي)

• مَصْدَرٌ رِئِيسِيٌّ: موصوف و صفت

• الْحُصُولِ: مصدر مجزء از ريشه «ح ص ل»

﴿الزَّرَاعَةُ، تَخْلُقُ فُرْصَ عَمَلٍ لِكَثِيرٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ﴾

ترجمه: کشاورزی، فرصت های کاری را برای بسیاری از افراد می آفریند.

﴿قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ﴾

ترجمه: امام صادق ﷺ فرمودند:

﴿خَيْرُ الْمَالِ، زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ﴾

ترجمه: بهترین ثروت، کشتی است که صاحبش آن را کاشته است.

• «كَالْبَدِشْكَافِي»: تَخْلُقُ: فعل مضارع مفرد مؤنث غایب

• فُرْصَ: جمع مكسر

• كَثِيرٍ: غلی وزن «فَعِيل»

• أَشْخَاصِ: جمع مكسر

• قَالَ: فعل ماضی مفرد مذکر غایب

• زَرْعَ: فعل ماضی مفرد مذکر غایب

• «هُ» در «زَرْعَهُ»: ضمير متصل



زراعة الرز  
کاشت برنج



حصاد القمح  
برداشت گندم



حصاد البطاطس  
برداشت سیب زمینی



زراعة الشوندر  
کاشت چغندر

### تربیة المواشي: دام داری

تربیة المواشي مصدر رئيسي لمنتجات الألبان و اللحوم و الصوف.

ترجمه: دام داری منبع اصلی برای فرآورده های شیری و گوشت ها و پشم است.

مئات الآلاف من سكان القرية يحصلون على دخل كبير من تربیة المواشي داخل أراضيهم.

ترجمه: صدها هزار (نفر) از ساکنان روستا درآمد بسیاری (بزرگی) را از دام داری داخل زمین هایشان به دست می آورند.

کالبدشکافی: • تربیة: اسم مفرد مؤنث • المواشي: جمع مکسر • مصدر: علی وزن «مفعل» • مصدر رئيسي: موصوف و صفت • منتجات: اسم مفعول • الألبان: جمع مکسر • اللحوم: جمع مکسر • مئات: جمع مؤنث سالم • الآلاف: جمع مکسر • سكان: جمع مکسر و مفرد «ساکن» علی وزن «فاعل» • القرية: اسم مفرد مؤنث • يحصلون علی: فعل مضارع جمع مذكر غایب • دخل كبير: موصوف و صفت • أراضي: جمع مکسر • «هم» در «أراضيهم»: ضمیر متصل

هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فيها

ترجمه: او شما را از زمین پدید آورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.

قال الإمام الصادق

ترجمه: امام صادق فرمودند:

نعم المال الشاة.

ترجمه: گوسفند، چه ثروت خوبی است.

کالبدشکافی: • هو: ضمیر منفصل • أنشأ: فعل ماضی مفرد مذكر غایب از باب «إفعال» • «کم» در «أنشأکم»: ضمیر متصل • الأرض: اسم مؤنث (معنوی) • استعمر: فعل ماضی مفرد مذكر غایب از باب «إستفعال» • «کم» در «استعمرکم»: ضمیر متصل • الشاة: اسم مفرد مؤنث



تربیة البقر  
پرورش گاو (گاوداری)



تربیة الغنم  
پرورش گوسفندا



تربیة الجمال  
پرورش شترها



تربیة المعز  
پرورش بز

حوار (في سوق مشهد)  
گفت وگو (در بازار مشهد)

بائع الملابس  
فروشنده لباس ها

الزائرة العراقية  
زیارت کننده عراقی

عليك السلام، مرحباً بك. سلام بر شما، خوش آمدید.

سلام عليكم. سلام بر شما.

كم سعر هذا القميص الرجالي؟ قیمت این پیراهن مردانه چقدر است؟

أربعمئة ألف تومان. چهارصد هزار تومان.

أريد أرخص من هذا. ارزان تر از این را می خواهم. هذه الأسعار غالية. این قیمت ها گران است.

عندنا بسعر ثلاثمئة وخمسين ألف تومان. تفضلي، أنظري. ما به قیمت سیصد و پنجاه هزار تومان (هم) داریم. بفرما، نگاه کن.

أي لون عندكم؟ چه رنگی دارید؟

أبيض وأسود وأزرق وأحمر وأصفر وبنفسجي. سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.

بكم تومان هذه الفساتين؟ این لباس ها (ی زنانه) چند تومان است؟

تبدأ الأسعار من خمسمئة ألف إلى ستمئة ألف تومان. قیمت ها از پانصد هزار تومان شروع می شود تا ششصد هزار تومان.

الأسعار غالية. قیمت ها گران است.

سيدي، يختلف السعر حسب النوعيات. سرکار خانم، قیمت براساس اجناس تفاوت دارد.





لغات / مفرد و جمع / مترادف و متضاد

۱. الآلاف: هزاران  
 • مفرد: الألف  
 ۲. الآلة: ابزار، وسیله  
 • جمع: الآلات  
 • مترادف: الأداة  
 ۳. ابْخَثَ غن...: جست و جو کن، دنبال... بگرد  
 ۴. الأبیض: سفید  
 ۵. الأثقل: سنگین تر، سنگین ترین  
 الثقیل: سنگین  
 ۶. الأخبب: دوست داشتنی تر، محبوب ترین  
 ۷. الأحسن: بهتر، بهترین  
 ۸. الأحقر: قمرز  
 ۹. الأراذل: فرومایگان، پست ترها  
 • مفرد: الأردل  
 ۱۰. الأرض: زمین  
 • جمع: الأراضي  
 ۱۱. أريد: می خواهم  
 ماضی: أرَادَ / مصدر: إِرَادَة  
 ۱۲. الأرزق: آبی  
 ۱۳. الأساس: پایه، اساس  
 ۱۴. استعمر: خواستار آباد کردن شد  
 مضارع: يَسْتَعْمِرُ / مصدر: اسْتَعْمَار  
 ۱۵. الأسوأ: بدتر، بدترین  
 • متضاد: الأحسن  
 ۱۶. الأسود: سیاه  
 ۱۷. الأشخاص: افراد  
 • مفرد: الشخص  
 ۱۸. الأصغر: کوچک ترها  
 • مفرد: الأصغر  
 • متضاد: الأكبر  
 ۱۹. الأصفر: زرد  
 ۲۰. الأطيب: پاک تر، پاک ترین  
 ۲۱. الأعدل: عادل تر، عادل ترین  
 ۲۲. الأعلم: داناتر، داناترین  
 ۲۳. الأعلى: بلندتر، بلندترین  
 ۲۴. الأغلى: گران تر، گران ترین  
 • متضاد: الأرخص  
 ۲۵. الأفاضل: شایستگان، برترها  
 • مفرد: الأفضل  
 ۲۶. إقترب: نزدیک شد  
 • متضاد: إبتعد
۲۷. الأكبر: بزرگ ترها  
 • مفرد: الأكبر  
 • متضاد: الأصغر  
 ۲۸. الألبان: فرآورده های شیری  
 • مفرد: اللبن  
 ۲۹. أنشأ: پدید آورد  
 ۳۰. الأنفع: سودمندتر، سودمندترین  
 ۳۱. إنكسر: شکسته شد  
 مضارع: يَنْكَسِرُ  
 ۳۲. البائع: فروشنده  
 ۳۳. البحث: پژوهش  
 • جمع: الأبحاث  
 ۳۴. بدأ: شروع کرد  
 مضارع: يَبْدَأُ  
 ۳۵. البنضائع: کالاها  
 • مفرد: البضاعة  
 ۳۶. البطاطس: سیب زمینی  
 ۳۷. البطاقة: بلیت  
 ۳۸. البقر: گاو  
 ۳۹. البنفسجي: بنفش  
 ۴۰. تبادل: عوض کرد  
 ۴۱. تحزئون: می کارید  
 • مترادف: تزرعون  
 ۴۲. تخلق: خلق می کند، می آفریند  
 ماضی: خَلَقَ  
 ۴۳. التربية: پرورش، تربیت کردن  
 تربية القواشي: دام داری  
 ۴۴. جادل: ستیز کن، بحث کن  
 مصدر: مُجَادَلَة  
 ۴۵. الجبل: کوه  
 • جمع: الجبال  
 ۴۶. الجمال: شترها  
 • مفرد: الجمل  
 ۴۷. الحافلة: اتوبوس  
 ۴۸. الحرث: کاشتن  
 • مترادف: الزراعة  
 • متضاد: الحصاد  
 ۴۹. الحصاد: برداشت، درو کردن  
 • متضاد: الزراعة  
 ۵۰. الحصول على: به دست آوردن  
 ۵۱. الحضارات: تمدن ها
- مفرد: الحضارة  
 ۵۲. الحياة: زندگی  
 • مترادف: العيش  
 ۵۳. الدخّل: درآمد  
 ۵۴. الدور: نقش  
 ۵۵. الرجالي: مردانه  
 • متضاد: النسائي  
 ۵۶. الرخيص: ارزان  
 اسم تفضيل: أرخص  
 • متضاد: الغالي  
 ۵۷. الرز: برنج  
 ۵۸. رضي: راضی شد  
 ۵۹. الرئيسي: اصلی  
 ۶۰. الزراعة: کشاورزی، کاشتن  
 ۶۱. الشبيل: راه، مسیر  
 • جمع: الشبيل  
 ۶۲. الشعر: قیمت  
 • جمع: الأسعار  
 ۶۳. الشكان: ساکنان  
 • مفرد: الشاكن  
 ۶۴. الشوق: بازار  
 ۶۵. الشاة: گوسفند  
 ۶۶. الشوندر: چغندر  
 ۶۷. الصناعية: صنعتی  
 ۶۸. الصوف: پشم  
 ۶۹. ضل: گم شد، گمراه شد  
 مضارع: يَضِلُّ  
 ۷۰. الطائفة: هواپیما  
 ۷۱. الظهور: پیدایش  
 ۷۲. الغالية: گران  
 • متضاد: الرخيص  
 ۷۳. غلب: غلبه کرد  
 ۷۴. الغنم: گوسفندها، گوسفندداری  
 ۷۵. الفرض: فرصت ها  
 • مفرد: الفرضة  
 ۷۶. الفستان: لباس (زنانه)  
 • جمع: الفساتين  
 ۷۷. الفتيحة: هنری  
 ۷۸. القرية: روستا  
 • جمع: القرى

• جمع: المَوَازِين	۸۸. المَدُن: شهرها	۷۹. القَمَح: گندم
• ۹۶. النَّص: متن	• مفرد: المَدِينَة	۸۰. القَمِيص: پیراهن
• جمع: النَّصُوص	۸۹. مَرخِباً بِك: خوش آمدی	۸۱. اللُّحُوم: گوشت‌ها، انواع گوشت
• ۹۷. النَّعْم: نعمت‌ها	۹۰. المَقْصَدَر: منبع	• مفرد: اللَّحْم
• مفرد: النَّعْمَة	• جمع: المَصَادِر	۸۲. اللِّسَان: زبان
۹۸. نَعِم... چه... خوبی است	۹۱. المَقْظَاهِر: نمادها، نشانه‌ها	• جمع: الأَلْسِنَة
• ۹۹. التُّوعِيَات: جنس‌ها	• مفرد: المَظْهَر	۸۳. اللُّون: رنگ
• مفرد: التُّوعِيَة	۹۲. الفَلَاپِس: لباس‌ها	• جمع: الأَلْوَان
۱۰۰. هَلَك: هلاک شد، نابود شد	• مفرد: المَلْبَس	۸۴. المَاعِز: بُز
مضارع: يَهْلِكُ	۹۳. المُنْتَجَات: فرآورده‌ها، محصولات	• جمع: المَوَاعِز
• ۱۰۱. اليَد: دست	۹۴. المَقْوَاشِي: چارویانی مانند گاو، گوسفند و شتر	۸۵. البِئَات: صدها
• جمع: الأَيْدِي	• مفرد: المَاشِيَة	• مفرد: البِيئَة
• ۱۰۲. يَعْفُو عَن... می‌بخشاید، می‌گذرد	• مترادف: البَهَائِم	۸۶. مِئَات الأَلْف: صدها هزار
• ماضی: عَفَا	۹۵. المِيزَان: ترازو، ترازوی اعمال	۸۷. المَحَاصِيل: محصول‌ها
		• مفرد: المَحْصُول

## درستنامه قواعد درس اول

### اسم تفضیل

در زبان فارسی وقتی می‌خواهیم آدم‌ها یا اشیاء را با هم مقایسه کنیم، از کلماتی مانند «شیواتر، بلندتر، آرام‌تر و...» استفاده می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم: قلّه اورست بلندترین قلّه جهان است. آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.

در زبان عربی صفات برتر و صفات برترین اسم تفضیل نامیده می‌شوند که مذکر آن‌ها بر وزن «أَفْعَل» و مؤنث آن‌ها بر وزن «فُعَلَى» می‌باشند و به صورت تر یا ترین ترجمه می‌شوند.

أَفْعَل	فُعَلَى	ترجمه
أكبر	كُبْرَى	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
أصغر	صُغْرَى	کوچک‌تر، کوچک‌ترین
أحسن	حُسْنَى	بهتر، بهترین
أرخص	رُخْصَى	ارزان‌تر، ارزان‌ترین
أفضل	فُضْلَى	برتر، برترین

• حميدٌ أكبرُ طالبٍ في المَدْرَسَة

← حمید بزرگ‌ترین دانش‌آموز در مدرسه است.

• حميدةٌ أصغرُ طالبةٍ في الصفِّ

← حمیده کوچک‌ترین دانش‌آموز در کلاس است.

• جبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أعلى جَبَلٍ في ایران

← کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

• أحبُّ النَّاسِ، أنْفَعُ النَّاسِ

← محبوب‌ترین مردم، سودمندترین مردم است.

اسم تفضیل در مقام مقایسه بین دو یا چند اسم، در هر دو حالت مؤنث و

مذکر بر وزن «أَفْعَل» یا «أَقْل» یا «أَفْعَى» می‌آید:

• أخي أعلمُ مِنِّي في الفيزياء ← برادرم در فیزیک داناتر از من است.

• مريم أفضلُ الطالباتِ في الصفِّ ← مریم برترین دانش‌آموزان در کلاس است.

• حميدةٌ أصغرُ من زينب ← حمیده از زینب کوچک‌تر است.

• سِعْرُ بِطَاقَةِ الطَّائِرَةِ أَغْلَى مِنَ سِعْرِ الحَافِلَةِ و القطارِ ← قیمت بلیت هواپیما

گران‌تر از قیمت اتوبوس و قطار است.

• ذَاكِرْتُهُ أَقْوَى مِنَ الأخرين ← حافظه‌اش از دیگران قوی‌تر است.

• وَزْنُ الدَّلْفِينِ أَكْثَرُ مِنَ وَزْنِ الإنسانِ ← وزن دلفین از وزن انسان بیشتر است.

معمولاً اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» بر وزن «أَفَاعِل» جمع بسته می‌شود.

أَرَادِلُ ← مفرد / أفاضل ← مفرد أفضل

أصاغر ← مفرد / أكابر ← مفرد أكبر

• إذا مَلَكَ الأَرَادِلُ، هَلَكَ الأفاضل ← هر گاه پست‌ترها به فرمانروایی برسند،

برترها هلاک می‌شوند.

• يَعْفُو الأَكْبَرُ عَنِ الأَصاغرِ ← بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها را می‌بخشایند.

• أفاضلُنَا مَنْ يُحِبُّونَ العِلْمَ و يَعْمَلُونَ بِهِ ← بهترین‌های ما کسانی هستند که

علم را دوست دارند و به آن عمل می‌کنند.

📌 حواستون باشه: به یاد داشته باشید که ملاک برای اسم تفضیل بودن،

مفرد کلمه است؛ لذا ممکن است کلماتی مانند «أوامر» یا «أماکن» بر وزن أفاعِل

باشند، اما اسم تفضیل محسوب نشوند:

أوامِر ← مفرد ← أمر ← اسم تفضیل نیست.

أماکن ← مفرد ← مکان ← اسم تفضیل نیست.

🗨 **نکته:** ۱ گاهی اسم تفضیل مؤنث به شکل فُعَلَا است.

مثال: عَلِيَا (بالا، بالاتر، بالاترین) / دُنْيَا (نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین، خوارتر، خوارترین)

۲ رنگ‌ها و نقص‌های بر وزن أَفْعَل اسم تفضیل نیستند:



## درس در یک نگاه

### اسم تفضیل

برای مقایسه بین افراد و اشیاء به کار می‌رود و بر وزن «أَفْعَل» و «فُعْلَى» می‌آید و بر وزن «أَفَاعِل» جمع بسته می‌شود.

• الله أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ

← خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود.

«خَيْر» و «شَرُّ» در حالتی که مضاف شوند یا اینکه بعد از آن‌ها حرف جرّ «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل محسوب می‌شوند:

• عَالِمٌ يُتَفَقَّحُ بِعَلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.

← دانشمندی که از دانشش سود برده می‌شود، بهتر از هزار عبادت‌کننده است.

«أَقْلٌ» و «أَفْعَى» سایر وزن‌های اسم تفضیل محسوب می‌شوند: أَعْلَى، أَعْلَى.

### تمرین: عَيْنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

۱ تَذَهَبُ إِلَى عَالِمٍ آخَرَ بَعْدَ مَوْتِكَ!

۲ كَانَ حَسَنٌ خَيْرَ طَالِبٍ فِي الْمَدْرَسَةِ!

۳ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ اسْتِصْغَارُ الذَّنْبِ!

۴ الْإِخْوَانُ الَّذِينَ يُسَاعِدُونَنَا فِي أُمُورِنَا الصَّعْبَةِ خَيْرٌ إِخْوَانٍ فِي حَيَاتِنَا.

۵ فَاطِمَةُ أَحْسَنُ بِنْتٍ فِي رَأْيِي.

۶ السَّكُوتُ أْبْلَغُ كَلَامِ أَمَامِ الْجَاهِلِ.

۷ أَكْبَرُ حَيَوَانٍ تَرَاهُ حَوْلَنَا هُوَ الْفِيلُ.

۸ الْإِجَابَةُ الْحُسْنَى تَتَعَلَّقُ بِأَخِي.

**پاسخ:** ۱ بعد از مرگت، به جهان دیگری می‌روی.

• اسم تفضیل «آخَرَ» بر وزن «أَفْعَل» به معنای «دیگر» است.

۲ حسن بهترین دانش‌آموز در مدرسه بود.

• اسم تفضیل «خَيْر» است چرا که در این جمله به معنای «بهترین» می‌باشد.

۳ بزرگ‌ترین گناهان، کوچک شمردن گناه است.

• اسم تفضیل «أَعْظَم» است که بر وزن «أَفْعَل» می‌باشد و به معنای «بزرگ‌ترین» است.

۴ برادرانی (دوستانی) که در کارهای سخت‌مان به ما کمک می‌کنند، بهترین دوستان در زندگی ما هستند.

• اسم تفضیل «خَيْر» است که مضاف واقع شده و به معنای «بهترین» می‌باشد.

۵ فاطمه بهترین دختر در نظر من است.

• اسم تفضیل «أَحْسَن» بر وزن «أَفْعَل» می‌باشد و معنای «بهترین» دارد.

۶ سکوت، شیواترین سخن در برابر نادان است.

• اسم تفضیل «أْبْلَغُ» بر وزن «أَفْعَل» و به معنای «شیواترین» است.

۷ بزرگ‌ترین حیوانی که در اطرافمان می‌بینیم، همان فیل است.

• اسم تفضیل «أَكْبَرُ» بر وزن «أَفْعَل» و به معنای «بزرگ‌ترین» است.

۸ جوابِ بهتر به برادرم تعلق می‌گیرد.

• اسم تفضیل «حُسْنَى» بر وزن «فُعْلَى» و به معنای «بهتر» است.

**مثال:** أَبْيَضُ (سفید) / أَخْضَرُ (سبز) / أَحْمَرُ (قرمز) / أَسْوَدُ (سیاه) /

أَزْرَقُ (آبی) / أَصْفَرُ (زرد) / أَبْغَمُ (لال)، أَصَمُّ (ناشنوا) / أَعْمَى (نابینا)

۲ کلمات آخر و آخری به معنای «دیگری» و کلمه آخرین به معنای «دیگران»، اسم تفضیل محسوب می‌شوند.

۴ گاهی وزن أَفْعَل به صورت أَقْل و أَفْعَى می‌آید:

**مثال:** أَحْسَبُ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین / أَعْلَى: بلندتر، بلندترین /

أَقْل: کمتر، کمترین / أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین / أَشَدُّ: شدیدتر، شدیدترین /

أَتْقَى: باتقواتر، باتقواترین / أَجَلٌ: گرامی‌تر، گرامی‌ترین / أَهَمُّ: مهم‌تر، مهم‌ترین

• أَحِبُّ أَوْلَادِي أَنْشَطَهُمْ مِنْ بَيْنِهِمْ

← محبوب‌ترین فرزندانم، فعال‌ترین آن‌ها در بینشان است.

• جَاءَ أَبِي وَكَانَ مَعَهُ كِتَابٌ أَقْلٌ حَجْمًا فَأَخَذْتُهُ

← پدرم آمد و کتابی با حجم کمتر همراهش داشت، پس آن را گرفتم.

• الْغَيْبَةُ أَهَمُّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ

← غیبت، مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم است.

**نکته:** ۱ اسم تفضیل بر وزن فُعْلَى با (ات) جمع بسته می‌شود نه

به صورت مکسر. **مثال:** كُبْرَى ← كُبْرِيَات.

۲ دو اسم خیر و شر اگر مضاف شوند و یا اینکه بعد از آن‌ها حرف جرّ «مِنْ» بیاید،

به صورت بهتر، بهترین / بدتر، بدترین معنا می‌شوند و اسم تفضیل اند؛ اما اگر معنی خوبی یا بدی بدهند، اسم تفضیل حساب نمی‌شوند.

• تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً

← ساعتی فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

• خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ النَّاسَ

← بهترین مردم، کسی است که به مردم کمک می‌کند.

• جَهَلْنَا شَرُّ أَعْدَائِنَا إِنْ نَعْرِفَهُ

← نادانی ما بدترین دشمنان ماست اگر آن را بشناسیم.

• إِنْ الْيَأْسُ شَرُّ شَيْءٍ لِتَخْرِيْبِ حَيَاةِ الْبَشَرِ

← همانا ناامیدی بدترین چیز برای نابودی زندگی انسان است.

• الشُّرْكُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ

← شرک به خدا از بدترین کارهاست.

• إِنْ شَرُّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ فِي آيَاتِهِ

← همانا بدترین مردم نزد خدا، کسانی هستند که در آیاتش تفکر نمی‌کنند.

**نکته:** گاهی برخی افعال بر وزن أَفْعَل یا أَفْعَى می‌آیند، آن را با اسم

تفضیل اشتباه نگیرید.

• أَكْرَمَ وَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا

← پدر و مادرش را در زندگی‌شان گرامی داشت.

• أَكْرَمَ ← فعل ماضی

• أَخِي أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي

← برادرم عیب‌هایم را به من هدیه داد.

• أَهْدَى ← فعل ماضی

## حل و بررسی تمارین

۵۵ عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

ترجمه: صحیح و خطا را بر اساس متن درس مشخص کن.

۱- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ ع: نِعَمَ الْمَالِ الشَّاءُ.

ترجمه: امام صادق ع فرمودند: گوسفند، چه ثروت خوبی است.

۲- الزَّرَاعَةُ، أَسَاسٌ فِي فَطْهُورِ الْخَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ.

ترجمه: کشاورزی، پایه‌ای در پیدایش تمدن‌های قدیمی است.

۳- الزَّرَاعَةُ، تَخْلُقُ فُرْصَ عَمَلٍ لِقَلِيلٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ.

ترجمه: کشاورزی، برای (تعداد) کمی از افراد فرصت‌های کاری را خلق می‌کند.

← در متن ذکر شده که برای بسیاری از افراد فرصت‌های کاری را خلق می‌کند.

۴- تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي، مَصْدَرٌ رَئِيسِيٌّ لِلْمُنْتَجَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.

ترجمه: دام‌داری، منبع اصلی برای فرآورده‌های صنعتی است.

← فرآورده‌های صنعتی نه، بلکه فرآورده‌های شیری.

۵- سَكَّانُ الْمُدُنِ، يَحْضُلُونَ عَلَى دَخْلِ كَبِيرٍ مِنْ تَرْبِيَةِ الْمَوَاشِي.

ترجمه: ساکنان شهرها، از دام‌داری درآمد بسیاری به دست می‌آورند.

ساکنان شهرها ← ساکنان روستا

## اختیار نفسک

۵۶ اخْتِيارُ نَفْسِكَ: تَرْجَمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ ضَعْ خَطَأً تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

ترجمه: خودت را بیازمای: آیه و حدیث‌ها را ترجمه کن، سپس زیر اسم تفضیل خطی قرار بده.

۱- ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾

ترجمه: با شیوه‌ای که آن، بهتر است با آن‌ها بحث کن، همانا پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد، آگاه‌تر است.

پاسخ: جادل: فعل امر / أحسن: اسم تفضیل / أعلم: اسم تفضیل / ضل: فعل ماضی

۲- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْخَسَنِ.

ترجمه: در ترازو چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.

پاسخ: أثقل: اسم تفضیل / الخلق الحسن: موصوف و صفت

۳- أَعْدَلُ النَّاسِ، مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ.

ترجمه: عادل‌ترین مردم، کسی است که برای مردم راضی شود به آنچه که برای خودش راضی می‌شود.

پاسخ: أعدل: اسم تفضیل / رضى: فعل ماضی / يرضى: فعل مضارع / ضمير متصل

۴- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

ترجمه: داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علمش اضافه کند.

پاسخ: أعلم: اسم تفضیل / جمع: فعل ماضی

۵- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ، أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

ترجمه: محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترین آن‌ها برای بندگانش است.

پاسخ: أحب: اسم تفضیل / أنفع: اسم تفضیل / هم: در «أنفعهم»: ضمير متصل / عباد: جمع مكسر و مفرد «عبد»

۶- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ.

ترجمه: برترین کارها، کسب [درآمد] از [راه] حلال است.

پاسخ: أفضل: اسم تفضیل / أعمال: جمع مكسر و مفرد «عمل»

سؤالات امتحانی نوبت اول		تألیفی
درس: عربی ۳ (دوازدهم)	رشته: فنی و حرفه‌ای	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
		تاریخ: / /



ردیف	سؤالات	نمره
۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: ۱- تربية الغنم خير الأعمال. ۲- شاهدت الحكيم وسط الملعب. ۳- دور الدراسة مهم جداً. ۴- رب كلام كالحسام.	۱
۲	عین المترادف و المتضاد (کلمة زائدة): (الزراعة - المخبوء - الجميل - الغالية - الخزث - المحزون - الخفي - المسرور - الرخيصة) ۱- _____ = _____ ۲- _____ = _____ ۳- _____ = _____ ۴- _____ = _____	۱
۳	عین الكلمة الغريبة في المعنى: ۱- القمح <input type="checkbox"/> ۲- الشاة <input type="checkbox"/> ۳- الجمل <input type="checkbox"/> ۴- الماعز <input type="checkbox"/>	۰/۲۵
۴	أكتب مفرد الكلمات التي تحتها خط: ۱- الزراعة تخلق فِرَضَ عملٍ لكثيرٍ من الأشخاص. ۲- آلاف من السكان تركوا المدينة.	۰/۵
۵	ترجم الآيات والعبارات التالية إلى الفارسية: ۱- ﴿أدع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة﴾ ۲- إذا حسن الخلق، لظف النطق. ۳- المؤمن يقول ما يفعل. ۴- شر الناس من يقترب موضع الشهمة. ۵- ﴿أأنتم تزرعونه أم نحن الزارعون﴾ ۶- حدث بما لا تخاف تكذيبه. ۷- تعال نذهب إلى الملعب لمشاهدة مباراة كرة القدم بين هذين الفريقين. ۸- ﴿خقالة الخظب﴾ ۹- أنفى الناس من قال الحق في ماله و عليه.	۶/۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة: الف) إن الذين يطلبون حياة طيبة يعيشون بقدرة. <input type="checkbox"/> ۱- آنان که زندگی شرافتمندانه‌ای می‌خواهند، با قدرت زندگی می‌کنند. <input type="checkbox"/> ۲- کسانی که زندگی شرافتمندانه‌ای می‌خواستند، با قدرت زندگی می‌کردند. ب) أربع و ثلاثين في المئة من الناس اشتركوا في الاقتراع. <input type="checkbox"/> ۱- چهل و سه درصد از مردم در انتخابات شرکت کردند. <input type="checkbox"/> ۲- سی و چهار درصد از مردم در انتخابات شرکت کردند.	۱
۷	كفل الفراغات في الترجمة الفارسية: ۱- ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن. در ..... چیزی ..... از اخلاق نیکو نیست. ۲- نحتاج إلى آلة يُعرفُ بها مقدار وزن البضائع والأشياء. به ابزاری نیاز داریم که با آن، مقدار وزن ..... و اشیاء .....	۱

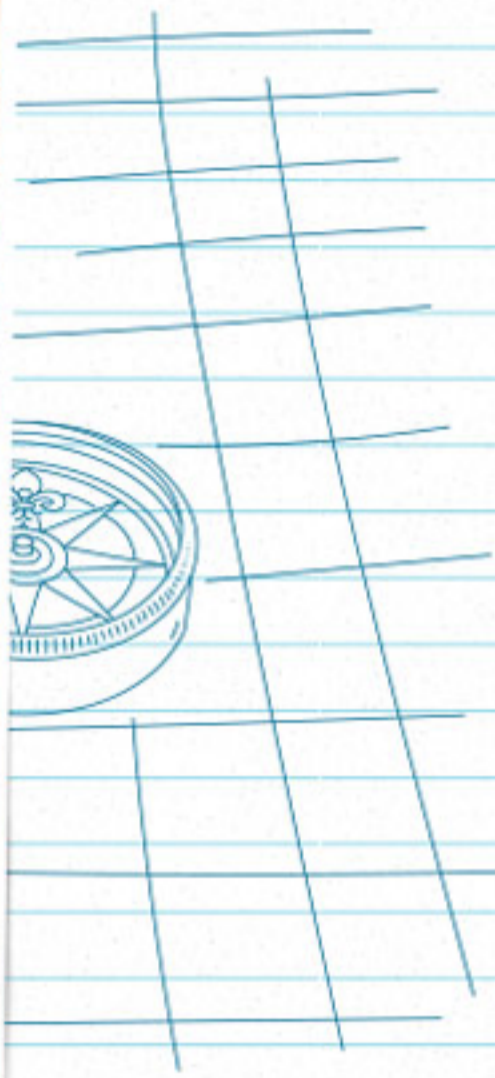




سؤالات امتحانی نوبت اول			
تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	رشته: فنی و حرفه‌ای	درس: عربی ۳ (دوازدهم)

ردیف	سؤالات	نمره
۸	ترجم الأفعال و المصادر: الف) عَرَفَ (شناخت) ب) اقْتَرَبَ (تزدیک شد) ج) عَلَّمَ (آموزش داد) ۱- لا يَعْرِفُ: _____ ۲- عُرِفَ: _____ ۳- قد عَرَفَ: _____ ۱- لا تَقْتَرِبُ: _____ ۲- سوفَ يَقْتَرِبُ: _____ ۳- اقْتَرَبَ: _____ ۱- كَانَ قد عَلَّمَ: _____ ۲- كَانَ يُعَلِّمُ: _____ ۳- عَلَّمَ: _____	۲/۲۵
۹	ابحث عن الأسماء التالية في الجمل: ۱- اِسْتَهَزَأَ الرَّسَّامُ مِنْ بَيْنِ عُلَمَاءِ عَصْرِهِ. اسم فاعل: _____ اسم مبالغة: _____ ۲- كَانَ الْعَلَّامَةُ الطَّبَّاطِبَانِي مِنَ الْفَلَّاسِفَةِ فِي الْقَرْنِ الْعِشْرِينَ. اسم مبالغة: _____ العدد الترتيبي: _____ ۳- يَعْفُو الْأَكْبَرُ عَنِ الصَّغَارِ الْمَظْلُومِينَ. اسم مفعول: _____ اسم تفضيل: _____	۱/۵
۱۰	عَيِّن الكلمة الغريبة حسب القواعد: ۱- أصفر <input type="checkbox"/> أكبر <input type="checkbox"/> أجمل <input type="checkbox"/> أحب <input type="checkbox"/> ۲- خلاق <input type="checkbox"/> غفار <input type="checkbox"/> ضبارة <input type="checkbox"/> فتاحة <input type="checkbox"/> ۳- الزوار <input type="checkbox"/> الجبار <input type="checkbox"/> الفئاح <input type="checkbox"/> الغلام <input type="checkbox"/> ۴- أصاغر <input type="checkbox"/> أرادل <input type="checkbox"/> أواجر <input type="checkbox"/> أفاضل <input type="checkbox"/>	۱
۱۱	عَيِّن نوع الفعل في العبارات التالية: ۱- أريد أرخص من هذا، رجاء، لا تُجادلنا في هذا الأمر. ۲- قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا.	۱
۱۲	عَيِّن الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ: ۱- الْعَسَالَةُ أَلَّةٌ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ. ۲- سَعْرٌ بِطَاقَةِ الطَّائِرَةِ أَرْخَضَ مِنْ سَعْرِ بِطَاقَةِ الْحَافِلَةِ. ۳- عَلَيْنَا أَنْ نَجْرَحَ الْأَخْرَبِينَ بِلِسَانِنَا. ۴- الْكُذَّابُ مَنْ يَكْذِبُ فِي حَيَاتِهِ كَثِيرًا.	۱
۱۳	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَاكْتُبْ سؤَالَ وَجَوَابًا صَحِيحًا: سعر / سبعون ألف / القميص / كم / هذا / تومان / الرجالي / . / ؟ سؤال: _____ جواب: _____	۱
۱۴	اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: شجرة السكوييا شجرة يبلغ ارتفاع بعضها أكثر من مئة متر و يبلغ قُطْرُهَا تِسْعَةَ أمتار، و يزيد عُمرُهَا على ثلاثة آلاف و خمسمئة سنة تقريباً. توجد هذه الشجرة في الغابات الإستوائية و هي من أعجب الأشجار في العالم. ۱- كم يبلغ قُطْرُ شجرة السكوييا؟ ۲- أين نَقْدِرُ أَنْ نَجِدَ هذه الشجرة؟ ۳- عَيِّنِ اسْمِي التَّفْضِيلِ (۲ اسم تفضيل) في النَّصِّ:	۱
جمع نمره	نرجو لكم النجاح	۲۰

# پاسخ نامه



## پاسخ سؤالات درس «۱»

الف

۱. نقش ۵. دام‌داری  
۲. قیمت ۶. پشم  
۳. گوسفند ۷. گندم  
۴. تمدن‌ها ۸. مردانه

ب الف

۹. زِرَاعَةٌ (کشت) = حَصَاد (درو کردن)  
۱۰. حَصَلَ عَلَى = كَسَبَ (به دست آورد)  
۱۱. غَالِيَةٌ (گران) = رَخِيصَ (ارزان)

ب

۱۲. دَاخِل (درون) = خَارِج (بیرون)  
۱۳. أَكْبَر (بزرگ‌ترها) = أَصَاغِر (کوچک‌ترها)  
۱۴. اقْتَرَبَ (نزدیک شد) = ابْتَعَدَ (دور شد)  
۱۵. اجْعَلْ = ضَعَّ (قرار بده)

ج

۱۶. البَقَرُ ترجمه: برنج / سیب‌زمینی / گندم / گاو  
۱۷. المُنْتَجَاتُ ترجمه: گوسفندها / گاو / بز / فرآورده‌ها  
۱۸. أرْحَصَ ترجمه: سفید / ارزان‌تر / بنفش / قرمز  
۱۹. الدَّخْلُ ترجمه: روستا / شهر / درآمد / کشور

د الف

۲۰. فُرْصٌ مفرد / فُرْصَةٌ / الأشخاص مفرد / الشَّخْص  
۲۱. البِضَاعُ مفرد / البِضَاعَةُ  
۲۲. الفُسْتَانُ جمع / الفُسَاتِينُ  
۲۳. المَظَاهِرُ مفرد / المَظَاهِرُ  
۲۴. مَحَاصِلُ مفرد / مَحْصُولُ  
ب  
۲۵. المَصْدَرُ جمع / المَصَادِرُ  
۲۶. المَوَاشِيُ مفرد / المَاشِيَةُ  
۲۷. الطَّلَابُ جمع / الطُّلَابُ  
۲۸. العِبَادُ مفرد / العَبْدُ  
۲۹. اللَّوْنُ جمع / الأَلْوَانُ  
۳۰. الجِمْالُ مفرد / الجَمَلُ

هـ

۳۱. محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترین شان برای بندگان است.  
۳۲. دام‌داری، منبع اصلی برای تولیدات صنعتی نیست.  
۳۳. هیچ بدی‌ای بدتر از دروغ نیست.  
۳۴. بهترین صدقه، صدقه زبان است.  
۳۵. داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علمش اضافه کند.  
۳۶. آیا آنچه را کشت می‌کنید، ملاحظه کرده‌اید؟ آیا شما آن را زراعت می‌کنید یا ماییم که زراعت کننده‌ایم؟  
۳۷. گوسفند چه ثروت خوبی است.  
۳۸. قیمت‌ها از پانصد هزار تومان شروع می‌شود تا ششصد هزار تومان.

۳۹. در ترازو چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.

۴۰. پاک‌ترین کسب و کار، کار مرد با دستش است.

۴۱. سی به علاوه پانزده، مساوی است با چهل و پنج.

۴۲. لباسی قرمز و شلواری زرد می‌خواهم، ولی این قیمت‌ها گران است.

۴۳. ساکنان روستا، برنج کشت می‌کنند و سیب‌زمینی برداشت می‌کنند.

و

۴۴. گزینه الف: «خیر» در این جمله اسم تفضیل می‌باشد و معنای «بهترین» دارد.

۴۵. گزینه الف: «کانت» معنای «بود» دارد، مگر هنگامی که جمله یک حقیقت را بیان

کند یا آیه قرآن باشد. همچنین «الأسعار» جمع مکتسر به معنای «قیمت‌ها» است.

۴۶. گزینه ب: «يَعْفُو» فعل معلوم است و به معنای «می‌بخشاید» می‌باشد.

۴۷. گزینه ب: «أشجع» اسم تفضیل است نه فعل الذا معنای «شجاع‌ترین» دارد.

۴۸. گزینه الف: «خمسة وعشرون» عدد معطوف است و معنای آن «بیست و پنج» می‌باشد.

ز

۴۹. نیکوتر / راهش

۵۰. فرومایگان (پست‌ترها) / هلاک می‌شوند

۵۱. گران‌تر از / اتوبوس

۵۲. دام‌داری / کشاورزی

۵۳. بازار / زائر عراقی / فروشنده لباس‌ها

۵۴. کشاورزی / خلق می‌کند (می‌آفریند)

۵۵. چغندر / گندم / سیب‌زمینی

ح

۵۶. سَاعِدُوا: کمک کردند / تُسَاعِدُونَ: کمک می‌کنید

۵۷. قَدْ رَحُصَ: ارزان شده است / كَانَتْ قَدْ رَحُصَتْ: ارزان شده بود

۵۸. لا تُرِيبِلْ: نفرست / أُرْسَلْتُمْ: فرستادید

۵۹. أَذْكُرُوا: یاد کنید / لا يَذْكُرُ: یاد نمی‌کند

۶۰. لا تَتَقَرَّبُوا: نزدیک نشوید / كَانَ يَتَقَرَّبُ: نزدیک می‌شد

۶۱. يُدَافِعُونَ: دفاع می‌کنند / ما دَافَعْتُمْ: دفاع نکردید

۶۲. سَمِعْنَا: شنیدیم / سَوْفَ نَسْمَعُ: خواهیم شنید

۶۳. يَكْشِفَانِ: پیدا می‌کنند / كَشَفْتُنْ: پیدا کردید

ط

۶۴. ضمیر منفصل: هُوَ / ضمیر متصل: كُمْ / فعل ماضی: أَنْشَأَ

۶۵. فعل مضارع وصيغته: يَحْصُلُونَ (جمع مذکر غائب) / موصوف و صفت: دَخَلَ كَبِيرٌ

۶۶. فعل مضارع وبائنه: يَخْتَلِفُ (من باب اِفْتِعَال) / جمع مؤنث سالم: التَّوَعِيَّاتُ

۶۷. اسم تفضیل: أضعف على وزن «أفعل» / ضمیر متصل: «ه» در کلمه «بِسْرِهِ»

ی

۶۸. شَرُّ (بدترین) ۷۱. أَكْبَرُ جمع «أكبر» (بزرگ‌ترین)

۶۹. الأَوْلَى (اولین) ۷۲. أَفْضَلُ (برتر، بهتر)

۷۰. خَيْرٌ (بهترین) ۷۳. أَهَمُّ (مهم‌ترین)

ک

۷۴. أَحْسَنُ ترجمه: أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / أَحْسَنُ (بهتر، بهترین) /

أَكْرَهُ (ناپسندتر، ناپسندترین) / أَحْسَنُ (نیکی کن)

۷۵. أَسْوَدُ ترجمه: أَصْغَرُ (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) / أَنْفَعُ (سودمندتر،

سودمندترین) / أَسْوَدُ (سیاه) / أَجْمَلُ (زیباتر، زیباترین)



## پاسخ سؤالات درس «۲»

الف

۱. تهمت‌ها
۲. پیروی نکن
۳. نرمی
۴. پنهان
۵. آفساید
۶. سخن نگو، نقل نکن، صحبت نکن
۷. جای لغزنده، لغزش
۸. عادت بده
۹. ثبت کرد، به ثمر رساند
۱۰. داور

ب

۱۱. صَدَاقَةٌ (دوستی) ≠ عَدَاوَةٌ (دشمنی)
۱۲. لَهُ (به سودش) ≠ عَلَيْهِ (به ضررش)
۱۳. اِبْتَعَدَ = اجْتَنَبَ (دوری کرد)
۱۴. تَنْطَلِقُ = تَكَلَّمَ (سخن می‌گویی)

ج

۱۵. اللَّيْنُ ترجمه: گُل / دروازه / ورزشگاه / نرم
۱۶. الحَدَادُ ترجمه: تلفن همراه / ماشین لباسشویی / آهنگر / عینک
۱۷. الحَبَّازُ ترجمه: بسیار روزی دهنده / بسیار آفریننده / بسیار آمرزنده / نانوا
۱۸. القَلْبَارُ ترجمه: اردک / سگ / شیر / خلبان
۱۹. الأَعْلَى ترجمه: بارکش / نقاش / گران‌تر / دوزنده

د

الف

۲۰. سَبِيلٌ (راه) ← سُبُلٌ
۲۱. المُبَارَاةُ (مسابقه) ← المُبَارَاةَاتُ
۲۲. لِسَانٌ (زبان) ← أَلْسِنَةٌ
۲۳. حَقَطًا (اشتباه) ← أخطاءٌ

ب

۲۴. قَدَمٌ (پا) ← أقدامٌ جمع
۲۵. أَيَّامٌ (روزها) ← يَوْمٌ مفرد
۲۶. المَوْعِظَةُ (پند) ← المَوْاعِظُ جمع
۲۷. الفَرِيقُ (تیم) ← الأَفْرِقَةُ جمع
۲۸. صُنَاعٌ (سازندگان) ← صَانِعٌ مفرد
۲۹. الذُّنُوبُ (گناهان) ← الذَّنْبُ مفرد

هـ

۳۰. پرهیزکارترین مردم، کسی است که در آنچه به سود و زیانش است، حق را بگوید.
۳۱. زبانت را به نرمی سخن عادت بده.
۳۲. فکر کن، سپس سخن بگو تا از لغزش در امان بمانی.
۳۳. چه بسا سخنی (که) مانند شمشیر است.
۳۴. سخن بگویند تا شناخته شوید؛ زیرا انسان زیر زبانش پنهان است.
۳۵. هر کس مردم از زبانش بترسند، پس او از اهل آتش است.
۳۶. بر ما واجب است که هرگز دیگران را با زبان‌هایمان زخمی نکنیم.
۳۷. مؤمن واقعی آنچه را که در زندگی‌اش انجام نمی‌دهد، نمی‌گوید.
۳۸. با مردم به اندازه‌ی خرد‌هایشان سخن بگو.
۳۹. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بپروا کنید و سخنی درست و استوار بگویند.
۴۰. و از چیزی که به آن علمی نداری، پیروی مکن.
۴۱. چرا چیزی را می‌گویند که انجام نمی‌دهید؟
۴۲. بهترین سخن، آن است که کم باشد و راهنمایی کند.

۷۶. أَرْزَقُ ترجمه: اَهَمُّ (مهم‌تر، مهم‌ترین) / أَرْزُقُ (آبی) / أَشْجَعُ (شجاع‌تر، شجاع‌ترین) / أَكْثَرُ (بیشتر، بیشترین)

۷۷. أَكْرَمُ ترجمه: أَرْحَمُ (مهربان‌تر، مهربان‌ترین) / أَرْحُصُ (ارزان‌تر، ارزان‌ترین) / أَكْرَمُ (گرامی‌بدار) / حُسْنَى (بهتر، بهترین)

ج

۷۸. ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است. اسم تفضیل: حَیْر. در این جمله بعد از «خیر» حرف «مِن» آمده، لذا اسم تفضیل است.

۷۹. ترجمه: همانا قوی‌ترین مردم، کسی است که بر خدا توکل می‌کند. اسم تفضیل: أَقْوَى بر وزن «أَفْعَى»

۸۰. ترجمه: ما نباید عیب‌های دیگران را ذکر کنیم. اسم تفضیل: الأَخْرین

۸۱. ترجمه: آیا می‌دانی که آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است؟ اسم تفضیل: أَكْبَرُ بر وزن «أَفْعَلُ»

م

۸۲. سیزده به علاوه پانزده، مساوی است با ثمانیة و عِشْرین (بیست و هشت).

۸۳. بیست و سه منهای چهارده، مساوی است با تِسْعَةَ (نه).

۸۴. سی و شش تقسیم بر دو، مساوی است با ثمانیة عَشْرَ (هجده).

۸۵. پنجاه و سه ضرب در سه، مساوی است با مِائَةٌ و تِسْعَةٌ و خمسين (صد و پنجاه و سه).

ن

۸۶. گوسفند، حیوان معروفی در روستاست که علف می‌خورد.

۸۷. سی به علاوه هفده برابر با هفتاد و چهار است.

۸۸. کشاورزی برای افراد کمی فرصت‌های کاری خلق می‌کند.

۸۹. قیمت بلیت هواپیما ارزان‌تر از قیمت بلیت قطار است.

۹۰. کوه دماوند، بلندترین کوه در دنیا است.

۹۱. از نظر امام صادق علیه السلام بهترین دارایی ثروتی است که از راه دروغ کسب می‌شود.

س

ترجمه: «کشاورزی، نقش مهمی در زندگی ما دارد و آن، منبع اصلی برای به دست آوردن غذا است. دام‌داری منبع اصلی برای فرآورده‌های شیری و گوشت‌ها و پشم است. صدها هزار نفر از ساکنان روستا درآمد بسیاری از دام‌داری داخل زمین‌هایشان به دست می‌آورند.»

۹۲. منبع اصلی برای به دست آوردن غذا چیست؟ الزَّراعة (کشاورزی)

۹۳. ساکنان روستا چگونه درآمد بسیاری به دست می‌آورند؟ مِّن تَرْبِیَةِ المَواشِیِ داخلِ أراضِیهِم. (از دام‌داری داخل زمین‌هایشان)

۹۴. کشاورزی، منبع اصلی برای فرآورده‌های شیری و پشم است. غلط؛ چرا که دام‌داری منبع اصلی است.

ع

۹۵. وسیله‌ای برای شناخت وزن اشیاء است: المِیزان (ترازو)

۹۶. لباس‌ها از آن ساخته می‌شوند: الصَّوْف (پشم)

۹۷. ده ضرب در ده: مِئَةٌ (صد)

۹۸. فرآورده‌ها و محصولات لبنی: ألبان (فرآورده‌های شیری)

ف

۹۹. یَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِیَاتِ.

۱۰۰. اِسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِیلٍ مِّنْ دُعَاءِ الإِفْتِتاحِ.

۱۰۱. کَمْ یَعْرِفُ هَذَا القَمِیصِ الرِّجَالِی؟

